

آیا از شوهر معتاد می شود طلاق گرفت؟



می رسد. پرسش زنان، در بر گیرنده نوعی خشونت خانگی "خانه امن" یک پرسش تکراری پیاپی از زنان متقاضی طلاق به **خانه امن:** است که به علت اعتیاد شوهر، دامان زن و فرزندان را می گیرد.

شوهر معتاد هنگامی که خمار است، کل فضای خانه را در هم می ریزد و هنگامی که نشئه است، با رفتار غیر عادی، از افراد خانواده سلب آسایش می کند. بنابراین پرسش دارای اهمیت است و خانه امن بر اساس قوانین ایران به آن می پردازد.

پرسش:

شوهرم معتاد است، بیکار شده، من و فرزندانم در مشقت به سر می بریم، آیا قانون به من کمک می کند تا طلاق بگیرم و بچه ها را در حضانت خود داشته باشم؟

پاسخ:

ماده 1130 قانون مدنی برای رسیدگی به تقاضای طلاق از سوی زن، شرایطی را تعیین کرده که اگر آن شرایط تحقق یافته باشد به تقاضا رسیدگی می کند و چنانچه ادعای زن ثابت شود، دادگاه، حکم طلاق زن را صادر می کند. در این ماده قانونی هرگاه زن در زندگی زناشویی به درجات سختی از مشقت به سبب رفتار شوهر رسیده باشد، دادگاه مکلف است به ادعای زن اهمیت داده و از او مدرک و دلیل بخواهد. ابتلاء شوهر به یکی از مواد مخدر یا الکل در حد و اندازه ای که مخل آسایش مالی و معنوی زن بشود، یکی از این موارد است.

صدر ماده 1130 قانون مدنی چنین است:

در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.

حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و عسر و تبصره «...تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد»

سپس ذیل این تبصره رفتارهایی را که موجب عسر و حرج می شود در 5 بند بر شمرده است. بند 2 به اعتیاد شوهر مرتبط است که این گونه شرح داده شده است:

«اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به یکی از مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع»
«یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است.»

بنابراین می بینید که قانونگذار به موضوع توجه کرده و چنین پیداست که به درجات تحمل مشقت زن در کنار یک شوهر معتاد آگاه است. بند 2 چنان است که نشان می دهد، هر معتادی از نگاه قانونگذار باعث مشقت (عسر و حرج) همسر خود نمی شود. اما از طرفی الفاظ تاکید قانونگذار بر دو نکته، زن را که به علت اعتیاد شوهر راهی دادگاه خانواده شده، به شدت گرفتار می کند. به این دو نکته توجه کنید:

1 - اعتیاد زوج به اساس زندگی خانوادگی خلل آورد.

شوهر از ترک اعتیاد که دادگاه به آن دستور می دهد خودداری کند، یا اساساً آن قدر اعتیاد پیشرفته باشد که نتوان به درمان معتاد - 2 پرداخت.

تجربه های و کلا حکایت از آن دارد که توانائی شوهر از نگاه قانونگذار چیست؟ "اساس زندگی خانوادگی" در مورد نکته 1 باید دید برای تامین نیازهای مالی و رفاهی خانواده است. بنابراین تا زمانی که شوهر نفقه می دهد و می شود او را به پرداخت نفقه مجبور کرد، به اساس زندگی خانواده خلل وارد نمی شود. مفهوم مخالف این تاکید قانونی این است که حالات غیر عادی شوهر و پدر خانواده که موجبات بدآموزی فرزندان و صدمات عاطفی زن را فراهم می کند اصلاً مورد توجه قانونگذار نبوده است.

تقاضای طلاق زن منتفی می شود. ولی اگر از این دستور "در مورد نکته 2 اگر شوهر دستور دادگاه را بر ترک اعتیاد اجرا کند، اساساً سرپیچی کند یا شدت اعتیاد امکان ترک را منتفی کرده باشد، دادگاه حکم بر طلاق صادر می کند.

نتیجه گیری:

به زن اجازه می دهد متقاضی طلاق بشود، ولی همانگونه که در بالا ذکر شد، از نگاه قوانین ایران، هر شوهر بنابراین اعتیاد شوهر، معتادی زن را گرفتار مشقت نمی کند و دادگاه نسبت به اثبات موضوع بسیار بر زنان سخت می گیرد. ولی در هر حال توصیه به زنان این است که حتماً راهی دادگاه شوند و از پا نشینند تا یا طلاق بگیرند، یا شوهر را به زور اصلاح کنند.

ضمناً یادتان باشد که قضات در ایران متناسب با بینش خود تصمیم می گیرند. برخی به سهولت رای نمی دهند و برخی که افق دید وسیعتری دارند، از کنار الفاظ مبهم قانون آسان می گذرند و شجاعانه رای بر رهائی زن صادر می کنند.